

Submit Date: 08 June 2025
Revise Date: 09 September 2025
Accept Date: 16 September 2025
Publish Date: 22 June 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Position of Loss of Profit in Civil Liability and the Feasibility of Its Claim in Iran and France

Manouchehr Asadi¹, Babak Rezapour^{*2}, Hossein Javadi²

1. Department of Private Law, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran.
2. Department of Law, Ur.C., Islamic Azad University, Urmia, Iran.

* Corresponding Author's Email: Babakrezapour759@gmail.com

ABSTRACT

Civil liability in Iranian and French law is based on the principle of full compensation for damages; however, the position of *loss of profit* or deprivation of certain benefit has always been a matter of controversy. The purpose of this study is to examine the theoretical and jurisprudential foundations, analyze the laws of Iran and France, and clarify the feasibility of claiming loss of profit as a compensable damage. The central question is whether the legal systems of Iran and France, despite emphasizing damage compensation, actually recognize compensation for loss of profit. The research method of this article is analytical-comparative. In this regard, through library sources, statutory texts, and judicial precedents, the jurisprudential and legal foundations of civil liability in Iran are first examined and then compared with the French legal system. The findings indicate that in Iranian law, despite jurisprudential foundations such as the rules of *La Zarar* (no harm), *Itlaf* (destruction), and *Tasbib* (causation), as well as the theoretical acceptance of some leading jurists, Note 2 of Article 515 of the Civil Procedure Code of Iran has created an obstacle to the explicit recognition of loss of profit. Judicial practice is also inconsistent; some rulings of the Supreme Court of Iran have considered definite loss of profit as claimable, while lower courts have often tended to reject it. In contrast, in French law, Article 1231-2 of the French Civil Code explicitly states that damages include both the losses incurred and the benefits of which the person has been deprived. Judicial practice has also provided a coherent framework by distinguishing between the loss of certain benefit and the loss of opportunity. The conclusion of this study is that the recognition of compensation for definite loss of profit is essential to achieve justice and protect the rights of the injured party. In Iran, legislative reform and the establishment of judicial uniformity could be a crucial step toward resolving the existing ambiguities.

Keywords: *Civil liability; Loss of profit; Certain damage; Imamiyyah jurisprudence; French law*

How to cite: Asadi, M., Rezapour, B., & Javadi, H. (2026). The Position of Loss of Profit in Civil Liability and the Feasibility of Its Claim in Iran and France. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-14.



تاریخ ارسال: ۱۸ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۸ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۰۱ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

جایگاه عدم النفع در مسئولیت مدنی و امکان سنجی مطالبه آن در حقوق ایران و فرانسه

منوچهر اسدی^۱، بابک رضاپور^۲، حسین جوادی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Babakrezapour759@gmail.com

چکیده

مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه بر اصل جبران کامل خسارت استوار است؛ اما جایگاه «عدم النفع» یا محرومیت از منفعت مسلم همواره محل مناقشه بوده است. هدف این پژوهش، بررسی مبانی نظری و فقهی، تحلیل قوانین ایران و فرانسه، و تبیین امکان مطالبه عدم النفع به عنوان ضرر قابل جبران است. پرسش اصلی آن است که آیا حقوق ایران و فرانسه، با وجود تأکید بر جبران خسارت، در عمل پذیرای جبران عدم النفع هستند یا خیر؟ روش تحقیق در این مقاله تحلیلی - تطبیقی است؛ بدین معنا که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، متون قانونی و آرای قضایی، ابتدا مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی در ایران بررسی شده و سپس با نظام حقوقی فرانسه مقایسه گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حقوق ایران، با وجود پشتوانه‌های فقهی مانند قواعد لاضرر، اتلاف و تسبیب، و نیز پذیرش نظری برخی حقوق‌دانان برجسته، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مانعی برای پذیرش صریح عدم النفع ایجاد کرده است. رویه قضایی نیز متعارض است؛ برخی آراء دیوان عالی کشور عدم النفع مسلم را قابل مطالبه دانسته، اما محاکم بدوی اغلب به نفی آن گرایش داشته‌اند. در مقابل، در حقوق فرانسه، ماده ۲-۱۲۳۱ قانون مدنی صراحت دارد که خسارت شامل زیان‌های وارده و منافی است که شخص از آن‌ها محروم شده است. رویه قضایی نیز با تفکیک میان فوت منفعت مسلم و از دست دادن فرصت، الگوی منسجمی ارائه کرده است. نتیجه پژوهش آن است که پذیرش جبران عدم النفع مسلم، ضرورتی برای تحقق عدالت و حمایت از حقوق زیان‌دیدگان است. در ایران، اصلاح تقنین و ایجاد وحدت رویه قضایی می‌تواند گامی اساسی در جهت رفع ابهامات موجود باشد.

کلیدواژگان: مسئولیت مدنی؛ عدم النفع؛ ضرر مسلم؛ فقه امامیه؛ حقوق فرانسه

نحوه استناددهی: اسدی، منوچهر، رضاپور، بابک، و جوادی، حسین. (۱۴۰۵). جایگاه عدم النفع در مسئولیت مدنی و امکان سنجی مطالبه آن در حقوق ایران و فرانسه. *دانشنامه فقه و حقوق*

تطبیقی، ۴(۲)، ۱-۱۴.



مقدمه

مسئولیت مدنی به عنوان یکی از نهادهای بنیادین حقوق خصوصی، فلسفه وجودی‌اش در جبران خسارت نهفته است. هیچ نظم حقوقی نمی‌تواند بدون تضمین حمایت از زیان‌دیدگان پایدار بماند؛ چراکه عدالت در معنای اجتماعی خود زمانی تحقق می‌یابد که شخص متضرر بتواند خسارت‌های وارد بر خویش را از عامل زیان مطالبه کند. با وجود این، پرسش مهمی که در ادبیات حقوقی ایران و فرانسه همواره محل بحث بوده، جایگاه «عدم‌النفع» یا همان محرومیت از منفعت مسلم است: آیا از دست رفتن منفعتی که در صورت نبود عمل زیان‌بار قطعاً تحقق می‌یافت، مصداق ضرر محسوب می‌شود و قابلیت مطالبه دارد؟

در فقه امامیه، قواعدی چون *لا ضرر، اتلاف و تسبیب* پشتوانه‌ای روشن برای پذیرش این نوع خسارت فراهم کرده‌اند. فقها در آثار خود تصریح کرده‌اند که محرومیت از منافع مسلم، اگر به فعل دیگری منتسب باشد، ضرر واقعی تلقی می‌شود (Ansari, 1998; Mousavi Bojnourdi, 1994). به عنوان مثال، اگر کسی مانع بهره‌برداری مالک از زمین زراعی‌اش شود و محصولی که قطعاً حاصل می‌شد از بین برود، فاعل ضامن است. این مبانی فقهی، ظرفیت آن را دارند که راهگشای تفسیر قوانین معاصر باشند.

در حقوق ایران اما، وضعیت پیچیده‌تر است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، اصل را بر جبران خسارت قرار داده و به ظاهر مانعی برای مطالبه عدم‌النفع ایجاد نکرده است. با این حال، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد که «ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست». ظاهر این حکم، بسیاری از دادگاه‌ها را به سمت رد مطلق دعاوی ناشی از عدم‌النفع سوق داده است (Khalilian, 2012) اما تحلیل‌های حقوق‌دانانی چون (Katouzian, 2007; Madadi, 2009; Safaei, 2003) نشان می‌دهد که این تبصره باید به صورت مضیق تفسیر شود؛ یعنی

تنها ناظر بر عدم‌النفع احتمالی است، نه عدم‌النفع مسلم. با وجود این دیدگاه، رویه قضایی ایران متعارض باقی مانده است. دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۸۴، فوت منفعت مسلم ناشی از قرارداد معتبر را قابل مطالبه دانسته، اما بسیاری از محاکم بدوی همچنان به نفی چنین دعاوی گرایش دارند (Zamani, 2021).

در مقابل، حقوق فرانسه مسیر روشن‌تری را پیموده است. ماده ۲-۱۲۳۱ قانون مدنی این کشور، صراحت دارد که خسارت شامل «زیان‌های وارده و منافی است که شخص از آن‌ها محروم شده است» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۲۹). رویه قضایی فرانسه نیز با تفکیک میان فوت منفعت مسلم (*perte de gain*) و از دست دادن فرصت (*perte de chance*)، قاعده‌ای منسجم و عملی ارائه کرده است. در رأی ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴، دیوان عالی فرانسه از دست دادن فرصت شغلی را قابل جبران دانست، چراکه احتمال موفقیت در آن موقعیت بالا و مبتنی بر دلایل کافی بود (Jourdan, 2006). این رویکرد در رأی ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ نیز تکرار شد و نشان داد که دادگاه‌ها تنها زمانی از دست دادن فرصت را می‌پذیرند که احتمال تحقق منفعت جدی و مستند باشد (Conté, 2020).

ضرورت پژوهش حاضر در این است که فقدان انسجام در قوانین و رویه قضایی ایران، هم در سطح نظری و هم در عرصه عملی، موجب تضییع حقوق زیان‌دیدگان شده است. سرمایه‌گذاران، تجار، و حتی شهروندان عادی که در زندگی روزمره خود متکی به منافع مسلم هستند، در صورت محرومیت از آن، نمی‌توانند به سادگی جبران خسارت را مطالبه کنند. این وضعیت، علاوه بر نقض عدالت فردی، آثار منفی اقتصادی و اجتماعی نیز به دنبال دارد. در حالی که در فرانسه، با وجود مشابهت‌های تاریخی در پذیرش نظریه تقصیر و مبانی مسئولیت، امروزه قانون و رویه قضایی با صراحت و انسجام، تکلیف را روشن کرده‌اند.

خواهد بود. به همین دلیل، فقها در مثال‌هایی همچون جلوگیری از اجاره دادن خانه یا مانع شدن از کشت زمین زراعی، عامل را ضامن منافع فوت شده دانسته‌اند (Yazdanian, 2000).

این مبانی فقهی نشان می‌دهد که عدم‌النفع مسلم، از منظر فقه امامیه، در زمره ضررهای واقعی است. بنابراین، حقوق ایران با چنین پشتوانه‌ای ظرفیت کافی برای پذیرش جبران آن را دارد. اما در عمل، قانون‌گذاری و رویه قضایی همواره با چالش‌هایی همراه بوده است.

جایگاه عدم‌النفع در حقوق ایران

مسئولیت مدنی در ایران بر مبنای اصل «جبران کامل خسارت» بنا شده است. مطابق این اصل، زیان‌دیده باید به وضعیتی بازگردانده شود که اگر فعل زیان‌بار رخ نمی‌داد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. اما مهم‌ترین چالش در اجرای این اصل، جایگاه «عدم‌النفع» است؛ یعنی محرومیت از منفعت مسلمی که عرفاً تحقق آن قطعی بوده است. پرسش این است که آیا فوت منفعت نیز همانند تلف مال یا ورود ضرر بالفعل، در زمره خسارات قابل مطالبه قرار می‌گیرد یا خیر؟

فقه امامیه که ریشه اصلی حقوق ایران است، پاسخ روشن به این پرسش داده است. در منابع فقهی، منافع مال همانند عین آن مال، دارای ارزش مستقل شناخته شده است. قاعده اتلاف، که مقرر می‌دارد «من أتلف مال الغير فهو له ضامن»، نه تنها شامل تلف عین مال، بلکه شامل تلف منافع نیز می‌شود (Ansari, 1994). به عنوان نمونه، اگر کسی حیوان اجاره‌ای را محبوس کند و مانع استفاده مستأجر از آن شود، ضامن منافع فوت شده خواهد بود. همین منطق در مورد خانه‌ای که قابلیت اجاره دادن دارد یا زمینی که قابلیت کشت و زرع داشته اما به دلیل ممانعت دیگری بی‌استفاده مانده است نیز جاری است (Yazdanian, 2000). قاعده تسبیب نیز این گستره را تأیید می‌کند. بر اساس این قاعده، اگر کسی سبب محرومیت دیگری از منفعت مسلم شود، ضامن

بر این اساس، هدف این مقاله بررسی مبانی نظری، فقهی و حقوقی عدم‌النفع در ایران و مقایسه آن با حقوق فرانسه است تا روشن شود که چگونه می‌توان با اصلاح قوانین و ایجاد وحدت رویه، به سمت پذیرش صریح عدم‌النفع مسلم به عنوان ضرر قابل جبران حرکت کرد. روش پژوهش نیز تحلیلی - تطبیقی است؛ بدین معنا که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، متون قانونی، آراء قضایی و دیدگاه‌های فقها و حقوقدانان، به تحلیل وضعیت موجود پرداخته و با مقایسه نظام ایران و فرانسه، پیشنهادهایی برای اصلاح ارائه می‌کند.

مبانی نظری و فقهی عدم‌النفع

مفهوم «عدم‌النفع» در ادبیات حقوقی، به معنای فوت منفعتی است که زیان‌دیده در صورت نبود فعل زیان‌بار قطعاً یا با احتمال قوی به آن دست می‌یافت. پرسش اینجاست که آیا این فوت منفعت، به مثابه ضرر تلقی می‌شود یا خیر؟ پاسخ به این پرسش، در فقه امامیه و سپس در نظام‌های حقوقی معاصر، جایگاه ویژه‌ای یافته است.

فقه امامیه، که شالوده اصلی حقوق مدنی ایران محسوب می‌شود، از دیرباز به مسأله محرومیت از منافع توجه داشته است. سه قاعده فقهی مهم، یعنی لاضرر، اتلاف و تسبیب، مبنای نظری محکمی برای پذیرش عدم‌النفع مسلم به عنوان ضرر فراهم کرده‌اند. قاعده لاضرر، با تصریح به این که هیچ حکمی نباید موجب ضرر بر دیگری گردد، بنیانی عام برای حمایت از زیان‌دیده ایجاد می‌کند (Mousavi Bojnourdi, 1998). بر اساس این قاعده، نمی‌توان محرومیت از منفعت مسلم را خارج از دایره ضرر دانست. قاعده اتلاف نیز با بیان «من أتلف مال الغير فهو له ضامن»، ضمان را حتی در مواردی که شخص مستقیماً مال را تلف نکند، بلکه موجب از بین رفتن منافع مسلم شود، ثابت می‌کند (Ansari, 1994). افزون بر این، قاعده تسبیب مقرر می‌دارد که اگر کسی سبب ورود خسارت شود، هرچند مباشر در اتلاف نباشد، ضامن

دلیل، بسیاری از محاکم به استناد این تبصره، دعاوی زیان دیدگان را رد کرده‌اند.

با این حال، بسیاری از حقوق‌دانان این تبصره را مضیق تفسیر کرده‌اند. آنان معتقدند قانونگذار صرفاً قصد داشته است «عدم‌النفع احتمالی» را از دایره ضرر خارج کند، نه فوت منفعت مسلم را. به بیان دیگر، اگر کسی صرفاً بر اساس احتمال وقوع یک قرارداد یا امید به سود نامعلوم، ادعای خسارت کند، این دعوا قابل استماع نیست. اما اگر منفعتی مسلم و قطعی بوده و به دلیل فعل زیان‌بار از دست رفته است، این محرومیت ضرر واقعی محسوب می‌شود. دکتر صفایی (۱۳۸۲) و دکتر مددی (۱۳۸۸) صراحتاً این تحلیل را پذیرفته‌اند (Madadi, 2009; Safaei, 2003).

در رویه قضایی ایران، تعارض جدی دیده می‌شود. بسیاری از دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر با استناد به تبصره ۲ ماده ۵۱۵، دعاوی ناشی از فوت منفعت را غیرقابل استماع می‌دانند. این امر به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به قراردادهای اجاره و بیع مشهود است. در مقابل، دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶ رویکردی متفاوت اتخاذ کرد. در این رأی، دیوان تأکید کرد که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ صرفاً ناظر بر عدم‌النفع احتمالی است و در صورت مسلم بودن منفعت، محرومیت از آن ضرر محسوب می‌شود و باید جبران گردد (Zamani, 2021). این رأی وحدت رویه نقطه عطفی در رویه قضایی ایران بود و تلاش کرد میان نص قانون و اصول کلی جبران خسارت تعادل برقرار کند. با این وجود، برخی محاکم بدوی هنوز بر تفسیر ظاهری تبصره اصرار دارند و تنها در موارد محدود، به استناد رأی وحدت رویه، حکم به جبران فوت منفعت می‌دهند.

حقوق‌دانان برجسته ایرانی نیز دیدگاه‌های متنوعی در این باره ارائه کرده‌اند. کاتوزیان (۱۳۸۶) و صفایی (۱۳۸۲) معتقدند که فوت منفعت مسلم به‌طور طبیعی ضرر محسوب می‌شود و محرومیت از آن باید جبران گردد (Katouzian, 2007; Safaei, 2003).

است؛ هرچند مباشر نباشد. مثلاً اگر شخصی راه ورودی مغازه‌ای را مسدود کند و مشتریان نتوانند به آن دسترسی پیدا کنند، عامل زیان ضامن سود از دست‌رفته صاحب مغازه است. این تحلیل در کلمات فقهای همچون محقق حلی، شهید ثانی و امام خمینی (ره) نیز دیده می‌شود و نشان می‌دهد که فقه امامیه هیچ‌گاه میان تلف عین و فوت منفعت تفکیک قائل نشده است (Mousavi, 1998).

قاعده لاضرر نیز به‌طور کلی حکم می‌کند که هیچ‌کس حق ندارد با فعل یا ترک فعل خود به دیگری ضرر برساند. ضرر در این قاعده اعم از تلف عین، صدمه بدنی یا محرومیت از منافع مشروع است. بنابراین، وقتی کسی مانع استفاده دیگری از منفعت مسلم شود، مشمول قاعده لاضرر خواهد بود.

این مبانی فقهی، ظرفیت عظیمی برای پذیرش جبران عدم‌النفع در حقوق ایران فراهم کرده‌اند و نشان می‌دهند که هیچ منع شرعی برای مطالبه فوت منفعت مسلم وجود ندارد.

در قوانین ایران، رویکردی دوگانه به عدم‌النفع مشاهده می‌شود. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹) به صراحت مقرر می‌دارد که هر کس به جان، مال یا حقوق دیگران لطمه وارد کند، مسئول جبران خسارت است. در این ماده هیچ محدودیتی درباره نوع ضرر بیان نشده و به‌طور طبیعی، فوت منفعت نیز مشمول آن است (Katouzian, 2007). افزون بر آن، ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به زیان‌دیده اجازه داده است ضرر و زیان ناشی از جرم، اعم از مادی و معنوی، را مطالبه کند. این ماده نیز به ظاهر شامل فوت منفعت مسلم می‌شود.

اما تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) مشکل‌ساز شده است. این تبصره تصریح می‌کند: «ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست». ظاهر این حکم، به‌گونه‌ای است که هر نوع ادعای ناشی از فوت منفعت را مردود می‌سازد. به همین

باید دیوان عالی کشور با صدور آرای وحدت رویه جدید، رویه موجود را یکپارچه سازد.

جایگاه عدم النفع در حقوق فرانسه

حقوق فرانسه، به عنوان یکی از غنی ترین نظام های حقوقی خانواده رومی - ژرمنی، از بدو تدوین قانون مدنی ناپلئون (۱۸۰۴) تاکنون تحولات مهمی را در حوزه مسئولیت مدنی تجربه کرده است. مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه (که پس از اصلاحات ۲۰۱۶ به ترتیب به مواد ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ تغییر شماره یافتند) بنیان نظری مسئولیت را بر «تقصیر» قرار داده اند. بر اساس ماده ۱۳۸۲: «هر عملی از انسان که به دیگری زیان وارد کند و ناشی از تقصیر عامل باشد، موجب مسئولیت و الزام او به جبران خسارت است».

این مواد هرچند در ظاهر صرفاً به «زیان» اشاره کرده اند، اما پرسش اصلی این بوده است که آیا «زیان» شامل فوت منفعت مسلم نیز می شود یا خیر. در قرن نوزدهم، دکترین حقوقی فرانسه بیشتر به سمت جبران زیان های مادی بالفعل گرایش داشت و درباره فوت منفعت احتیاط می کرد. اما به تدریج رویه قضایی مسیر خود را گشود و دادگاه ها، به ویژه دیوان عالی کشور (Cour de cassation)، با صدور آرای متعدد، فوت منفعت مسلم را در زمره ضررهای قابل جبران قرار دادند (Jourdan, 2006).

تحول بنیادین در سال ۲۰۱۶ رخ داد، زمانی که قانونگذار فرانسه اصلاحات گسترده ای در قانون مدنی ایجاد کرد. ماده ۱۲۳۱-۲ مقرر داشت: «خسارت شامل زیان های وارده و منافی است که شخص از آن ها محروم شده است». این عبارت، نقطه عطفی در تاریخ مسئولیت مدنی فرانسه محسوب می شود؛ زیرا به صراحت هرگونه فوت منفعت مسلم را ضرر دانسته و قابلیت مطالبه آن را تثبیت کرد (Safaei & Rahimi, 2020).

با این اصلاح، تردیدهایی که پیش تر درباره قلمرو «ضرر» وجود داشت از میان رفت. اکنون نه تنها دکترین بلکه قانون صریحاً

یزدانیان (۱۳۷۹) با تکیه بر مبانی فقهی، بر این نظر است که منافع مال همانند عین آن ارزش دارد و تلف آن مشمول قاعده اتلاف است (Yazdanian, 2000). مددی (۱۳۸۸: ص ۱۵۶) نیز بر ضرورت تفکیک میان منافع مسلم و احتمالی تأکید کرده است (Madadi, 2009). خلیلیان (۱۳۹۱) در تحلیل تبصره ۲ ماده ۵۱۵ نشان می دهد که تفسیر موسع از آن منجر به تضییع حقوق زیان دیدگان می شود (Khalilian, 2012).

نفی یا پذیرش عدم النفع تنها یک بحث نظری نیست؛ بلکه آثار اجتماعی و اقتصادی گسترده ای دارد. در شرایط کنونی ایران، بسیاری از فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران به دلیل بیم از عدم جبران منافع مسلم، تمایل کمتری به انعقاد قراردادهای پرریسک دارند. این امر بر رشد اقتصادی کشور تأثیر منفی گذاشته است. از سوی دیگر، شهروندان عادی نیز در روابط اجتماعی و شغلی خود احساس ناامنی می کنند؛ زیرا می دانند که در صورت محرومیت از درآمد یا منفعت مسلم، احتمال زیادی وجود دارد که دادگاه ها ادعای آنان را رد کنند.

این وضعیت اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را کاهش می دهد و امنیت حقوقی را تضعیف می کند. در حالی که اگر جبران فوت منفعت مسلم به طور صریح پذیرفته شود، نه تنها عدالت فردی تضمین می شود، بلکه اعتماد شهروندان به عدالت نیز تقویت خواهد شد.

بطور کلی می توان گفت که حقوق ایران از یک سو پشتوانه های فقهی و قانونی کافی برای پذیرش عدم النفع مسلم دارد و حتی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ این موضوع را تأیید کرده است. اما از سوی دیگر، وجود تبصره ۲ ماده ۵۱۵ و تفسیرهای متفاوت محاکم، مانع از تحقق کامل عدالت شده است. برای رفع این مشکل، یا باید قانونگذار تبصره مذکور را اصلاح کند و به صراحت میان منافع مسلم و احتمالی تفکیک قائل شود، یا

حاصل می‌شد از دست رفته باشد، بازگرداندن زیان دیده بدون جبران آن ممکن نیست.

در خصوص از دست دادن فرصت، دکترین بر اعمال معیار «احتمال قوی» پافشاری می‌کند. کونته (۲۰۲۰) می‌نویسد: «اگر احتمال تحقق منفعت کمتر از پنجاه درصد باشد، پذیرش دعوا به معنای قمار حقوقی است. اما اگر شواهد حاکی از احتمال بالای تحقق باشد، محرومیت از فرصت خود نوعی ضرر مسلم تلقی می‌شود.» این دیدگاه‌ها بعدها به قانون‌گذاری نیز راه یافت و در اصلاحات ۲۰۱۶ تجلی پیدا کرد (Conté, 2020).

پذیرش روشن جبران فوت منفعت مسلم در فرانسه آثار اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای داشته است. نخست، اعتماد شهروندان به نظام قضایی تقویت شده است. زیان‌دیدگان می‌دانند که دادگاه‌ها تنها به زیان‌های مادی عینی اکتفا نمی‌کنند، بلکه محرومیت از درآمدها و منافع قطعی را نیز جبران می‌کنند. این امر به افزایش احساس امنیت حقوقی انجامیده است.

دوم، فعالان اقتصادی و تجار با اطمینان بیشتری قرارداد منعقد می‌کنند، زیرا مطمئن هستند در صورت بروز خسارت، حتی سود از دست‌رفته نیز جبران خواهد شد. این امنیت اقتصادی در رشد سرمایه‌گذاری‌ها نقش بسزایی داشته است (Safaei & Rahimi, 2020).

سوم، تفکیک میان فوت منفعت مسلم و فرصت احتمالی مانع از گسترش دعاوی واهی شده است. اگر دادگاه‌ها هرگونه احتمال را ضرر تلقی می‌کردند، سیلی از دعاوی بی‌پایه دستگاه قضایی را فلج می‌کرد. اما معیار «احتمال جدی» باعث شد تنها زیان‌های واقعی و مستند قابلیت جبران داشته باشند.

یکی از نقاط قوت حقوق فرانسه، انسجام میان دکترین، رویه قضایی و قانون است. این سه عنصر در یک مسیر هماهنگ حرکت کرده‌اند: دکترین نظریه‌ها را پرداخته، دادگاه‌ها آن را در عمل اجرا

پذیرفته است که عدم‌النفع، در صورتی که مسلم باشد، به همان اندازه ضررهای مادی و معنوی دیگر قابل جبران است. یکی از نوآوری‌های مهم رویه قضایی فرانسه، تفکیک میان دو مفهوم است:

الف) فوت منفعت مسلم (Perte de gain):

این حالت زمانی است که زیان‌دیده از منفعتی محروم شود که تحقق آن قطعی بوده است؛ مانند سودی که بر اساس قرارداد معتبر حاصل می‌شد یا درآمدی که صاحب کسب‌وکار قطعاً از آن بهره‌مند می‌گردید. در این موارد، دادگاه‌ها بدون تردید حکم به جبران می‌دهند.

ب) از دست دادن فرصت (Perte de chance):

این حالت زمانی است که زیان‌دیده فرصت یا شانس کسب منفعتی را از دست بدهد که تحقق آن قطعی نبوده است. در اینجا دادگاه‌ها تنها زمانی حکم به جبران می‌دهند که احتمال تحقق منفعت جدی، واقعی و مبتنی بر قرائن کافی باشد. این تفکیک ابتدا در رویه قضایی شکل گرفت و سپس توسط دکترین تأیید شد. رأی ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴ دیوان عالی فرانسه نمونه بارزی است. در این پرونده، دادگاه پذیرفت که محرومیت از فرصت شغلی قابل جبران است، زیرا احتمال موفقیت متقاضی بالا و مبتنی بر دلایل کافی بود (Jourdan, 2006). در رأی ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ نیز دادگاه تأکید کرد که صرف احتمال ضعیف کفایت نمی‌کند و تنها فرصت‌های جدی و واقعی قابلیت مطالبه دارند (Conté, 2020).

این تفکیک موجب شد هم از زیان‌دیدگان حمایت شود و هم از گسترش بی‌رویه مسئولیت جلوگیری گردد.

دکترین حقوق مدنی فرانسه اهمیت زیادی برای مفهوم عدم‌النفع قائل است. حقوق‌دانانی چون ژوردن و کونتله بر این باورند که اصل «جبران کامل خسارت» بدون پذیرش فوت منفعت مسلم ناقص می‌ماند. آنان تأکید دارند که حقوق وظیفه دارد زیان‌دیده را به جایگاه پیشین خود بازگرداند؛ و اگر منفعتی که به‌طور قطع

کرده‌اند، و قانونگذار در نهایت آن را تثبیت کرده است. همین انسجام موجب کارآمدی نظام حقوقی شده است.

در مقایسه با ایران، تفاوت آشکار است. ایران از پشتوانه‌های فقهی قوی برای پذیرش عدم‌النفع برخوردار است، اما ابهام تقنینی و رویه متعارض مانع تحقق آن شده است. فرانسه با شفافیت قانونی و رویه منسجم، الگویی کارآمد ارائه داده که می‌تواند الهام‌بخش اصلاح قوانین ایران باشد.

بررسی جایگاه عدم‌النفع در حقوق فرانسه نشان می‌دهد که این کشور با صراحت قانونی و رویه قضایی منسجم، فوت منفعت مسلم را بی‌تردید قابل جبران دانسته است. از دست دادن فرصت نیز تنها زمانی پذیرفته می‌شود که احتمال تحقق آن واقعی و جدی باشد. این الگو، هم عدالت فردی را تأمین کرده و هم امنیت اجتماعی و اقتصادی را حفظ نموده است.

تحلیل تطبیقی

نخستین تفاوت میان ایران و فرانسه در مبانی نظری و فکری مسئولیت مدنی است. در ایران، شالوده حقوق مدنی بر فقه امامیه استوار است. در فقه، قواعدی چون لاضرر، اتلاف و تسبیب به‌طور روشن نشان می‌دهند که محرومیت از منفعت مسلم نوعی ضرر است و باید جبران شود. فقها در آثار خود مثال‌های متعددی آورده‌اند؛ برای نمونه، اگر کسی مانع کشت زمین دیگری شود یا حیوان اجاره‌ای را محبوس کند، ضامن منافع فوت‌شده خواهد بود (Ansari, 1994; Mousavi Bojnourdi, 1998; Yazdani, 2000). این پشتوانه نظری قدرتمند، نشان می‌دهد که حقوق ایران از لحاظ مبانی فقهی، ظرفیت کامل برای پذیرش جبران عدم‌النفع مسلم را دارد.

در مقابل، حقوق فرانسه مبنای فقهی ندارد و از سنت حقوق عرفی رومی - ژرمنی نشئت گرفته است. در این نظام، پذیرش عدم‌النفع ابتدا از دل رویه قضایی برآمد. دادگاه‌ها با تکیه بر اصل «جبران کامل خسارت» (réparation intégrale du préjudice)،

فوت منفعت مسلم را به‌عنوان ضرر شناسایی کردند. سپس دکترین با تحلیل‌های نظری این رویه را تقویت کرد و در نهایت قانونگذار با اصلاحات ۲۰۱۶ آن را صریحاً در قانون مدنی گنجانده (Jourdan, 2006). بنابراین، هر دو نظام به نتیجه واحدی رسیده‌اند، اما مسیر متفاوتی را پیموده‌اند: ایران بر پایه فقه، فرانسه بر پایه رویه قضایی و سپس تقنین.

در ایران، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹) و ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور کلی بر جبران خسارت تأکید دارند. این مواد به ظاهر شامل فوت منفعت مسلم نیز می‌شوند (Katouzian, 2007) اما مشکل اصلی از تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) آغاز شد. این تبصره با عبارت «ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست»، ابهام و دوگانگی ایجاد کرد. ظاهر تبصره نفی مطلق عدم‌النفع را القا می‌کند، در حالی که با اصول فقهی و فلسفه جبران خسارت تعارض دارد (Madadi, 2009).

در فرانسه، برعکس، قانونگذار مسیر روشنی پیموده است. پیش از اصلاحات ۲۰۱۶، اگرچه مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی صراحتی به عدم‌النفع نداشتند، اما رویه قضایی به تدریج آن را پذیرفت. سرانجام ماده ۲-۱۲۳۱ قانون مدنی اصلاحی مقرر کرد: «خسارت شامل زیان‌های وارده و منفعی است که شخص از آن‌ها محروم شده است». این صراحت موجب شد هرگونه تردید برطرف شود و حقوق فرانسه با انسجام کامل عدم‌النفع را به رسمیت بشناسد (Safaei & Rahimi, 2020).

در ایران، رویه قضایی متعارض است. بسیاری از محاکم بدوی و تجدیدنظر دعوای ناشی از فوت منفعت را با استناد به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ رد کرده‌اند (Khalilian, 2012). اما دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ (۱۳۸۴) با تفکیک میان «عدم‌النفع مسلم» و «عدم‌النفع احتمالی» اعلام کرد که مورد نخست قابل

۱. اصلاح تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و تصریح بر قابلیت مطالبه عدم النفع مسلم.

۲. صدور آرای وحدت رویه جدید از سوی دیوان عالی کشور برای یکپارچه سازی رویه محاکم.

بدون این اصلاحات، فاصله میان نظریه و عمل همچنان باقی خواهد ماند و زیان دیدگان ایرانی از حقوق مسلم خود محروم خواهند شد.

نتیجه گیری

بررسی جایگاه «عدم النفع» در مسئولیت مدنی ایران و فرانسه نشان داد که این مفهوم، اگرچه در نگاه نخست صرفاً یک بحث حقوقی و فنی به نظر می رسد، اما در واقع به زندگی روزمره انسان ها و عدالت اجتماعی پیوندی مستقیم دارد. هر منفعت مسلمی که از دست می رود، برای زیان دیده تنها یک محاسبه مالی نیست؛ بلکه ممکن است به معنای از دست رفتن امنیت روانی، فرصت های اقتصادی و حتی امید به آینده باشد. بنابراین، نظام حقوقی اگر در برابر چنین زیانی سکوت کند یا جبران آن را نپذیرد، نه تنها عدالت فردی را نقض می کند، بلکه اعتماد عمومی به عدالت را نیز متزلزل می سازد.

در فقه امامیه، همان گونه که از قواعد لاضرر، تلاف و تسبیب برمی آید، هیچ تردیدی در این نیست که محرومیت از منفعت مسلم ضرر محسوب می شود و باید جبران گردد (Ansari, 1994; Mousavi Bojnourdi, 1998). فقها در موارد متعددی، از جمله جلوگیری از اجاره دادن خانه یا ممانعت از کشت زمین زراعی، عامل زیان را ضامن دانسته اند (Yazdanian, 2000). این پشتوانه نظری غنی، ظرفیت حقوق ایران برای پذیرش عدم النفع مسلم را به خوبی نشان می دهد.

با وجود این، در عرصه تقنین و عمل، نظام حقوقی ایران رویکردی متناقض داشته است. از یک سو، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹) به طور عام هرگونه لطمه به حقوق را موجب مسئولیت

مطالبه است (Zamani, 2021). با این حال، این رأی وحدت رویه نتوانسته است رویه محاکم را به طور کامل یکپارچه کند.

در فرانسه، برعکس، رویه قضایی انسجام قابل توجهی دارد. دادگاه ها به طور سنتی میان فوت منفعت مسلم (perte de gain) و از دست دادن فرصت (perte de chance) تمایز قائل شده اند. دیوان عالی فرانسه در آرای متعدد — مانند رأی ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴ و رأی ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ — تصریح کرده است که فوت منفعت مسلم همواره قابل جبران است، اما از دست دادن فرصت تنها زمانی پذیرفته می شود که احتمال تحقق منفعت جدی و مستند باشد (Conté, 2020; Jourdan, 2006). این انسجام موجب

اطمینان و پیش بینی پذیری نظام قضایی فرانسه شده است. نظام حقوقی ایران به دلیل دوگانگی تقنینی و قضایی، در عمل نتوانسته است اعتماد عمومی را جلب کند. زیان دیدگان اغلب نمی دانند که دعوای آن ها در دادگاه پذیرفته خواهد شد یا خیر. این بی ثباتی حقوقی به کاهش سرمایه گذاری و افزایش بی اعتمادی به دستگاه قضایی منجر شده است.

در مقابل، فرانسه با صراحت قانونی و رویه قضایی منسجم، توانسته است امنیت حقوقی را تضمین کند. فعالان اقتصادی با آسودگی بیشتری قرارداد منعقد می کنند، زیرا مطمئن هستند در صورت وقوع خسارت، حتی منافع فوت شده نیز جبران خواهد شد. این امر به رشد اقتصادی و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شده است (Safaei & Rahimi, 2020).

در مجموع، هر دو نظام حقوقی اصل جبران کامل خسارت را پذیرفته اند و هر دو فوت منفعت مسلم را ضرر قابل جبران می دانند. تفاوت اصلی در مسیر تحقق این نتیجه است: ایران با پشتوانه های فقهی غنی، اما با ضعف تقنین و رویه متعارض؛ فرانسه با رویه قضایی منسجم و تقنین صریح. نتیجه آن است که ایران برای رسیدن به انسجام و کارآمدی نظام فرانسه باید دست کم دو گام بردارد:

بنابراین، نتیجه اساسی پژوهش آن است که جبران عدم النفع مسلم ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تحقق عدالت، حمایت از کرامت انسانی و تضمین امنیت اقتصادی است.

پیشنهادهای

یکم اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی: ضروری است تبصره ۲ ماده ۵۱۵ با صراحت بیشتری بازنویسی شود و میان عدم النفع مسلم و احتمالی تفکیک کند. این اصلاح، نخستین و مهم‌ترین گام در رفع ابهام موجود است.

دوم ایجاد وحدت رویه قضایی: دیوان عالی کشور باید با صدور آرای وحدت رویه جدید، رویکرد خود مبنی بر قابلیت مطالبه عدم النفع مسلم را تثبیت و به دادگاه‌های بدوی ابلاغ کند. این اقدام باعث انسجام رویه و تقویت اعتماد عمومی خواهد شد.

سوم بهره‌گیری از ظرفیت فقه امامیه: قواعد لاضرر، اتلاف و تسبیب نه تنها مبنای نظری قوی برای پذیرش جبران عدم النفع فراهم می‌کنند، بلکه از حیث مشروعیت شرعی نیز پشتیبان‌های مطمئن برای اصلاح قوانین به شمار می‌روند.

چهارم الهام از تجربه فرانسه: الگوی تفکیک میان منفعت مسلم و فرصت احتمالی می‌تواند در ایران نیز اجرا شود. این الگو از یک سو حمایت گسترده از زیان‌دیدگان را تضمین می‌کند و از سوی دیگر، مانع از افزایش دعاوی بی‌پایه خواهد شد.

پنجم توجه به آثار اقتصادی و اجتماعی: پذیرش جبران عدم النفع مسلم، امنیت سرمایه‌گذاری و اعتماد فعالان اقتصادی را تقویت می‌کند. در مقابل، رد چنین دعاوی باعث بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی و کاهش انگیزه‌های اقتصادی می‌شود.

ششم انسانی‌سازی سیاست‌گذاری حقوقی: نظام حقوقی باید درک کند که عدم النفع صرفاً یک مفهوم مالی نیست. برای یک کارگر، از دست دادن درآمد روزانه می‌تواند به معنای محروم شدن خانواده از نان شب باشد؛ برای یک تاجر، فوت سود قطعی قرارداد می‌تواند ورشکستگی به همراه داشته باشد؛ و برای یک کارآفرین، نابودی

دانسته و به ظاهر مانعی برای مطالبه عدم النفع ایجاد نکرده است (Katouzian, 2007). از سوی دیگر، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) با عبارت «ضرر و زیان ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست» زمینه تردید و تعارض را فراهم کرده است (Khalilian, 2012). رویه قضایی نیز از همین ابهام تأثیر گرفته و متعارض باقی مانده است. برخی محاکم بدوی، دعاوی ناشی از فوت منفعت مسلم را رد می‌کنند، در حالی که دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ (۱۳۸۴) صراحتاً میان عدم النفع مسلم و احتمالی تفکیک قائل شده و اولی را قابل مطالبه دانسته است (Zamani, 2021). این تعارض رویه، امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری نظام قضایی را خدشه‌دار کرده است. در مقابل، حقوق فرانسه رویکردی روشن و منسجم دارد. ماده ۱۲۳۱-۲ قانون مدنی پس از اصلاحات ۲۰۱۶، فوت منفعت مسلم را به‌طور صریح در شمار خسارات قابل جبران آورده است (Safaei & Rahimi, 2020). رویه قضایی نیز با تمایز میان فوت منفعت مسلم (perte de gain) و از دست دادن فرصت (perte de chance)، الگوی دقیقی ایجاد کرده است. دادگاه‌ها تنها زمانی از دست دادن فرصت را می‌پذیرند که احتمال تحقق منفعت جدی و مستند باشد (Conté, 2020; Jourdan, 2006). این الگو موجب شده هم از زیان‌دیده حمایت کافی شود و هم از گسترش دعاوی واهی جلوگیری گردد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در حالی که ایران از پشتیبان‌های فقهی غنی برای پذیرش عدم النفع برخوردار است، اما به دلیل ضعف تقنین و تعارض رویه، در عمل نتوانسته است حقوق زیان‌دیدگان را به‌طور کامل تضمین کند. این وضعیت نه تنها عدالت فردی را نقض می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی را کاهش می‌دهد و حتی بر توسعه اقتصادی اثر منفی دارد. در مقابل، فرانسه با اصلاح قوانین و رویه قضایی منسجم، توانسته است میان عدالت فردی و امنیت اجتماعی تعادل برقرار کند.

پذیرش این مفهوم نه تنها یک ضرورت حقوقی، بلکه ضرورتی انسانی است. زیرا عدالت تنها زمانی محقق می‌شود که انسان‌ها در تجربه‌های زیسته خود احساس کنند حقوقشان به‌طور کامل حمایت می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Civil liability serves as one of the foundational pillars of private law, and its primary purpose is to ensure the full compensation of damages suffered by an injured party. No legal order can endure without mechanisms that protect victims, for justice in its social dimension is realized only when those harmed can demand restoration from the party responsible. Within this broader framework, the notion of *loss of profit*—defined as deprivation of a certain and expected benefit—has long been a contested subject in both Iranian and French legal scholarship. Jurists have debated whether the loss of an otherwise certain gain constitutes compensable damage. In the doctrinal and jurisprudential tradition of Iran, the rules of *la zarar* (no harm), *itlaf* (destruction), and *tasbib* (causation) have provided a strong normative basis for considering loss of profit as real damage. Prominent jurists have argued that if deprivation of an expected benefit can be causally linked to the act of another, it qualifies as a compensable loss (Ansari, 1994; Mousavi Bojnourdi, 1998). For example, preventing a landowner from cultivating their land and thus losing a harvest that would have certainly materialized creates liability for the interfering party. Despite this robust

فرصت‌های شغلی می‌تواند به معنای از بین رفتن امید نسل جوان باشد. حقوق اگر نتواند در چنین موقعیت‌هایی از انسان حمایت کند، از رسالت اصلی خود فاصله گرفته است.

به‌طور کلی، بررسی تطبیقی نشان داد که حقوق فرانسه با صراحت قانونی و رویه قضایی منسجم، الگویی کارآمد برای جبران عدم‌النفع فراهم کرده است؛ در حالی که حقوق ایران با وجود پشتوانه‌های فقهی غنی، به دلیل ضعف تقنین و تعارض رویه قضایی، در عمل نتوانسته است حمایت کافی از زیان‌دیدگان به عمل آورد. اصلاح قانون، انسجام رویه، و الهام از تجارب تطبیقی، سه گامی است که می‌تواند نظام حقوقی ایران را به سمت پذیرش صریح و کارآمد عدم‌النفع مسلم سوق دهد.

jurisprudential foundation, statutory developments in Iran have complicated matters. Article 1 of the Iranian Civil Liability Act adopts the principle of full compensation and seems not to exclude loss of profit; however, Note 2 of Article 515 of the Iranian Civil Procedure Code explicitly states that damages arising from loss of profit are non-compensable. This provision has led many courts to reject claims based on lost profits (Khalilian, 2012), although other scholars maintain that this provision should be narrowly interpreted to only exclude *hypothetical* or *uncertain* profits, not *certain* profits (Katouzian, 2007; Madadi, 2009; Safaei, 2003). Jurisprudential inconsistency has ensued: while the Supreme Court of Iran has in certain rulings upheld claims for definite loss of profit, lower courts often remain reluctant (Zamani, 2021). By contrast, France has followed a clearer path, as Article 1231-2 of its Civil Code explicitly affirms that damages encompass both losses incurred and profits of which one has been deprived, and judicial practice distinguishes between *perte de gain* (loss of certain profit) and *perte de chance* (loss of opportunity) (Conté, 2020; Jourdan, 2006). The lack of similar clarity in Iranian law underpins the present study's attempt to

investigate the theoretical, jurisprudential, and legal foundations of loss of profit in Iran and to compare them with the French framework.

The concept of loss of profit, or *adam al-nafa*, refers to the deprivation of a benefit that would have certainly or almost certainly materialized absent a wrongful act. In the doctrinal architecture of Islamic Jurisprudence (fiqh al-Imamiyyah), which constitutes the bedrock of Iranian civil law, loss of profit has long been treated as a legitimate form of damage. The three major jurisprudential rules—*la zarar*, *itlaf*, and *tasbib*—furnish a coherent theoretical basis for this position. The rule of *la zarar* provides a universal principle that no rule should inflict harm upon another, and this logically extends to the deprivation of certain profits (Mousavi Bojnourdi, 1998). The rule of *itlaf*, articulated as “whoever destroys the property of another is liable for it,” has been interpreted by classical jurists to encompass not only the destruction of tangible property but also the destruction of certain benefits or yields, such as rent from a house or harvest from a field (Ansari, 1994; Yazdanian, 2000). The rule of *tasbib* further establishes liability when one indirectly causes loss, even without being the direct agent of harm. Collectively, these principles show that deprivation of certain profit (*manfa’at musallamah*) is not only a financial harm but a juridically cognizable injury. This is reinforced by juristic writings that equate the value of the *usufruct* (*manfa’ah*) of property with the corpus (*ayn*) of the property itself. Thus, within fiqh, there is no conceptual barrier to recognizing loss of profit as compensable damage. This strong normative basis could theoretically underpin a more expansive acceptance of lost profit claims within Iranian civil law. Yet, the tension between these jurisprudential roots and contemporary statutory texts has impeded such development in practice.

In the positive law of Iran, a dual and contradictory approach to loss of profit emerges. Article 1 of the 1960 Civil Liability Act states that anyone who causes harm to life, property, or rights of others is liable for compensation, without distinguishing the types of damage, which ostensibly includes lost profits (Katouzian, 2007). Similarly, Article 9 of the Criminal Procedure Code authorizes victims to claim compensation for material and moral damages arising from crime, again seemingly encompassing lost profits. However, Note 2 of Article 515 of the 2000 Civil Procedure Code disrupts this logic by declaring that damages arising from loss of profit are non-compensable. Many lower courts have interpreted this provision broadly to exclude all lost profit claims. In response, numerous jurists have contended that this clause should be narrowly interpreted as excluding only *uncertain* profits, not *certain* ones. Scholars like Safaei and Madadi emphasize that denying recovery for definite lost profits contradicts the principle of full compensation (Madadi, 2009; Safaei, 2003). Jurisprudence has oscillated: while many lower and appellate courts have dismissed such claims, the Supreme Court of Iran in its 2005 Unifying Precedent No. 733 drew a critical distinction, ruling that Note 2 only excludes hypothetical profits and does not preclude compensation for definite ones (Zamani, 2021). Nevertheless, many lower courts have continued to resist this interpretation, causing legal uncertainty. Prominent legal scholars like Katouzian and Safaei maintain that definite lost profit is naturally a form of damage and should be compensable (Katouzian, 2007; Safaei, 2003), while Yazdanian argues that the *usufruct* of property has independent value and that depriving an owner of it engages liability under *itlaf* (Yazdanian, 2000). Khalilian warns that an expansive interpretation of Note 2 leads to denial of rightful claims and erosion of public

trust (Khalilian, 2012). This inconsistent judicial practice creates unpredictability, undermines legal security, discourages economic actors from risk-taking, and erodes confidence in the judiciary. In effect, despite having the jurisprudential resources to support it, Iranian law remains fragmented and hesitant regarding compensation for loss of profit.

In contrast, France—as a civil law jurisdiction rooted in the Romano-Germanic legal family—has adopted a clear and coherent stance on loss of profit. Historically, Articles 1382 and 1383 of the French Civil Code (renumbered as Articles 1240 and 1241 after the 2016 reforms) formed the foundation of civil liability, grounded in fault. For much of the nineteenth century, French doctrine focused on tangible, realized harm and was hesitant to recognize lost profits. Over time, however, judicial practice evolved. The Cour de cassation progressively recognized certain lost profits as compensable under the principle of *réparation intégrale du préjudice* (full reparation of injury) (Jourdan, 2006). A major turning point occurred with the 2016 reforms, which introduced Article 1231-2 stating explicitly that damages cover both losses incurred and profits of which one has been deprived (Safaei & Rahimi, 2020). This removed previous ambiguities and definitively established that certain lost profits are compensable. French jurisprudence also developed a conceptual distinction between *perte de gain* (loss of certain profit) and *perte de chance* (loss of opportunity). Courts award compensation for lost opportunity only if the chance was serious, real, and based on sufficient evidence, whereas certain lost profits are compensated without hesitation. The Cour de cassation in its 10 June 2004 ruling held that losing a job opportunity was compensable because the likelihood of success was high and well supported (Jourdan, 2006), while in the 17 December 2002 decision it

stressed that only serious chances merit compensation (Conté, 2020). This doctrinal and judicial framework strikes a balance: it protects victims while preventing a flood of speculative claims. It also fosters economic security by assuring entrepreneurs that even lost profits will be indemnified. The synergy between doctrine, jurisprudence, and legislation has created a consistent and predictable system, in sharp contrast to the fragmented Iranian approach.

A comparison between Iran and France reveals that although both jurisdictions ultimately accept the principle of full compensation and the compensability of certain lost profits, they have followed divergent paths. Iran derives its normative foundation from Islamic Jurisprudence, where the rules of *la zarar*, *itlaf*, and *tasbib* have long affirmed that depriving someone of certain profit constitutes harm (Ansari, 1994; Mousavi Bojnourdi, 1998; Yazdanian, 2000). By contrast, French law lacks religious underpinnings and developed its acceptance of loss of profit through judicial practice, which was later codified in the 2016 reforms (Jourdan, 2006; Safaei & Rahimi, 2020). The key barrier in Iran has been Note 2 of Article 515 of the Civil Procedure Code, which has created legislative ambiguity and fragmented jurisprudence (Khalilian, 2012; Madadi, 2009). Although Article 1 of the Civil Liability Act and Article 9 of the Criminal Procedure Code appear broad enough to encompass lost profits (Katouzian, 2007), the contradictory interpretations of Note 2 have prevented coherent application. While the Supreme Court of Iran attempted to resolve this through Unifying Precedent No. 733 (Zamani, 2021), lower courts have not consistently followed it. In contrast, French courts apply a unified approach, consistently distinguishing between certain profits and opportunities and compensating only the former unless the latter involve a serious chance (Conté, 2020;

Jourdan, 2006). This consistency fosters legal certainty, public trust, and economic confidence, whereas Iran's inconsistency undermines these. Thus, while Iran has strong jurisprudential resources, France has achieved superior practical coherence through legislative clarity and stable judicial practice. The analysis demonstrates that while both legal systems formally embrace the principle of full compensation, France has operationalized it more effectively than Iran in the domain of loss of profit. Iran possesses rich jurisprudential foundations rooted in Islamic Jurisprudence, but legislative ambiguity and judicial inconsistency have prevented their realization, resulting in unpredictability and erosion of trust. France, through clear statutory reform and consistent judicial practice, has provided a coherent framework that distinguishes between certain profits and opportunities, ensuring that only substantiated claims are compensated while shielding courts from speculative suits. The Iranian legal system must therefore undertake legislative reform—particularly revising Note 2 of Article 515 of the Civil Procedure Code to distinguish between certain and hypothetical profits—and promote unifying precedents to harmonize judicial practice. By doing so, it could align its practice with its jurisprudential heritage, fulfill the principle of full compensation, restore public confidence, and foster economic security. Ultimately, recognizing loss of certain profit as compensable damage is not merely a technical legal adjustment but a necessity for ensuring justice, protecting human dignity, and promoting societal trust in the rule of law.

References

- Ansari, M. (1994). *Al-Makasib*. Maktabat al-Davari.
 Conté, M. (2020). *La responsabilité civile*. Dalloz.
 Jourdan, J. (2006). *Droit civil: la responsabilité civile*. SAMT.
 Katouzian, N. (2007). *Civil Law: General Rules of Contracts*. Enteshar Publishing Company.

- Khalilian, A. (2012). An Analysis of Note 2 of Article 515 of the Civil Procedure Code. *Judiciary Legal Journal*(78), 83-99.
 Madadi, M. (2009). 'Adam al-Naf' (Loss of Profit) in Iranian Jurisprudence and Law. *Journal of Islamic Law*(45), 153-174.
 Mousavi Bojnourdi, M. H. (1998). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*. Islamic Sciences Publishing Center.
 Safaei, S. H. (2003). *Civil Law: Civil Liability*. Mizan Publications.
 Safaei, S. H., & Rahimi, M. (2020). *Civil Liability in the Iranian Legal System*. SAMT.
 Yazdani, F. (2000). *Foundations of Civil Liability in Jurisprudence and Law*. SAMT.
 Zamani, E. (2021). Compensation for Loss of Profit in Iranian Judicial Precedent. *Private Law Research*(3), 105-130.